



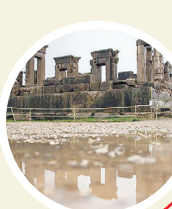
مرگ ۱۰ هزار ایرانی با مسمومیت

سرپرست دفتر نظارت و پایش مصرف فرآورده‌های سلامت سازمان غذا و دارو، ضمن اعلام آمار انواع مسمومیت‌ها در کشور درخصوص میزان و مرگومیر آن هشدار داد. به گزارش ایسنا، نازیلا یوسفی دراین باره گفت: در سال ۱۴۰۳، آمار کل مسمومیت‌ها ۲۷۶ هزار و ۱۳۸ نفر بوده که شامل ۵/۳۸ درصد مسمومیت‌های دارویی، ۲۲ درصد مسمومیت با مواد اعتیادآور، ۷/۲۰ درصد مسمومیت با مواد شیمیایی، ۲/۱۶ درصد مسمومیت با گزش جانداران سمی، ۹/۱ درصد مسمومیت با مواد غذایی و ۷ درصد مسمومیت با قارچ‌ها و گیاهان سمی است. سرپرست دفتر نظارت و پایش مصرف فرآورده‌های سلامت سازمان غذا و دارو همچنین با استناد به آمارهای سازمان پزشکی قانونی گفت: «براساس اعلام سازمان پزشکی قانونی کشور در سال ۱۴۰۳، ۱۰۹۲ نفر و در پنج ماه اول سال ۱۴۰۴، ۴۲۳۲ نفر بر اثر بروز انواع مسمومیت‌ها جان باخته‌اند.»



ممنوعیت کشت خشخاش

پس از انتشار خبرهایی درباره کشت خشخاش در ایران برای مصرف دارویی، دادستان کل کشور گفته است که کشت خشخاش در کشور طبق قانون، ممنوع است و دادستان‌ها باید نظارت‌های لازم را بر این مسئله انجام دهند. همچنین محمد موحدی گفته است که کشف جرائم سازمان‌یافته نیز باید با هماهنگی و کمک مسئولان ذی‌ربط در اولویت قرار گیرد. او در ادامه سخنانش گفت که در شش ماهه ابتدایی سال جاری، معاونت مبارزه با قاچاق کالا، ارز و جرائم سازمان‌یافته، دادستانی کل کشور در ۱۶۷ جلسه تخصصی مربوط به کمیته‌ها و کارگروه‌های ستادهای مبارزه با مواد مخدر، قاچاق کالا و ارز و جرائم سازمان‌یافته حضور فعال داشته است. در این جلسات، ۱۰ هزار و ۶۰۰ مصوبه مورد بررسی و تصویب قرار گرفته که پس از تأیید نهایی، جهت اجرا به اعضا و دستگاه‌های ذی‌ربط ابلاغ شده است.



۲۷ اثر ثبت جهانی در میان فرونشستی‌ها

علی شهباز، کارشناس زمین‌شناسی گفته است که بررسی‌ها نشان می‌دهد، نزدیک به نیمی از بافت‌های تاریخی ارزشمند کشور در نواحی، در معرض فرونشست قرار گرفته‌اند. او ادامه داد: «میراث فرهنگی و یاستانی غنی ایران در برخی استان‌ها از جمله اصفهان، فارس و تهران با خطرات قابل‌توجهی ناشی از فرونشست زمین مواجه‌اند. در چنین شرایطی برخی از بناها و آثار فرهنگی و تاریخی ایران که تعدادی از آن‌ها ثبت جهانی نیز شده‌اند، در معرض نرخ فرونشست زمین با سرعتی بیش از ۱۰ سانتی‌متر در سال قرار دارند.» به گفته او، بررسی‌ها نشان می‌دهد که نزدیک به نیمی از بافت‌های تاریخی ارزشمند کشور، در نواحی در معرض فرونشست قرار گرفته‌اند. حدود ۶۳ اثر ملی ثبت‌شده ۲۷ اثر جهانی، در این مناطق واقع شده‌اند: «این یعنی ما در خطر از دست‌دادن بخش غیرقابل‌جبرانی از هویت تاریخی کشور هستیم. نمونه‌های عینی این تخریب را در آثار تاریخی اصفهان به‌وضوح مشاهده می‌کنیم. در استان اصفهان، میراثی چون میدان نقش جهان، مسجد شیخ لطف‌الله، مسجد امام، سی‌وسه‌پل و پل خواجه، در معرض فرونشست تدریجی زمین قرار دارند. همچنین رودخانه زاینده‌رود به‌دلیل استخراج بیش از حد آب و خشکسالی‌های پی‌درپی، خشک شده است.»



عکس: ایسنا

گزارش اختصاصی از آزار جسمی و جنسی یک کودک معلول در یک مرکز توانبخشی در شهر کلاردشت و بررسی وضعیت مراکز نگهداری کودکان معلول زیر نظر بهزیستی

بازماندگان خاموش

درسای هفت‌ساله با جراح‌ت بدنی و ترک‌خوردگی استخوان لگن از مرکز توانبخشی مهر کلار به بیمارستان رسید و اداره بهزیستی مازندران به «هم‌میهن» می‌گوید این مرکز تعطیل شده است

نسیم سلطان‌بیگی

خبرنگار گروه جامعه

ششم مهرماه امسال درسا، دختر هفت‌ساله‌بی‌سرپرست و دچار معلولیت ذهنی و جسمی که در مرکز توانبخشی مهر کلار نگهداری می‌شد، با خونریزی به بیمارستان منتقل شد؛ در نامه پزشکی قانونی نوشتند که او دچار آسیب جدی و ترک خوردن استخوان لگن شده است. این خلاصه خبری است که «هم‌میهن» به‌طور اختصاصی آن را پیگیری کرده است. بررسی‌های «هم‌میهن» نشان می‌دهد، مدیر مرکز که زنی میانسال است و در سرا از آزار داده، در ابتدا بازداشت، سپس به قید وثیقه آزاد شده و حالا در انتظار برگزاری جلسه دادگاه است.

سرپرست درسا، مدیر مرکز توانبخشی مهر کلار، ابتدا او را به بیمارستان طالقانی چالوس می‌برد اما کادر بیمارستان به اومی گویند که دستگاه سونوگرافی ندارند و به‌همین دلیل باید به بیمارستان طالقانی بروند. درسا روی ویلچر به بیمارستان طالقانی می‌رسد و پزشک زنان شیفت شب بیمارستان پس از معاینه متوجه می‌شود که خونریزی درسا طبیعی نیست و مورد را مشکوک اعلام می‌کند. بررسی‌های «هم‌میهن» نشان می‌دهد که پس از اعلام مورد مشکوک توسط پزشک، مسئولان بیمارستان با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتند و آنها هم به بیمارستان رفتند. در صورت جلسه پلیس درباره درسا نوشته شده است: «شخصی مجهول الهویه که کدملی ندارد و زندگی‌اش را در مرکز درمانی فرشتگان مهر کلار سپری می‌کند و ناتوان جسمی است. این شخص هفت‌ساله، پنج بعد از ظهر به سرویس بهداشتی می‌رود که بعد از اتمام کار و حین بلندشدن از کف توالت، یک لوله که در داخل سرویس بوده و رها شده بوده، در ناحیه تناسلی این شخص بر خورد می‌کند و دچار خونریزی می‌شود. پس از معاینات، پزشک معالج اظهار داشته که از ناحیه تناسلی زخمی شده بوده و لذا این کودک در این بیمارستان بستری می‌باشد تا پزشک قانونی تصمیم بگیرد.» کادر درمان بیمارستان طالقانی به «هم‌میهن» می‌گویند که به گفته همراهان درسا، خود بچه با شیء نوک‌تیزی به خودش آسیب زده است. اما درسا دچار ضایعه مغزی، پاهایش پراگندگی به‌سبب بیرون بود و نمی‌توانست راه برود؛ در نتیجه با این شرایط او نمی‌توانسته به خودش آسیبی برساند: «درسا گریه می‌کرد و نمی‌توانست خوب صحبت کند. او مشکل تکلم نداشت اما در آن زمان به‌دلیل بغضی که داشت، نمی‌توانست صحبت کند. پرسنل مامایی از درسا پرسیدند چه اتفاقی افتاده و او مدام به سرپرست‌اش نگاه می‌کرد و از جواب‌دادن می‌ترسید.» به گفته آنها حتی اگر شیء نوک‌تیز هم عامل خونریزی بود درسا خودش نمی‌توانست کاری کرده باشد و از طریق فرد دیگری به او آسیب رسیده بود: «یکی از صحبت‌هایی که مطرح کردند این بود که درسا زمانی که می‌خواست از دستشویی بلند شود، افتاده و میله به او آسیب رسانده. این در حالی‌است که بچه‌های دارای ضایعه مغزی باید پوشک شوند و او هم پوشک داشت. ضمن آنکه میله نمی‌تواند مستقیم، بدون هیچ آسیبی به هیچ نقطه دیگری از بدن او، آسیب بزند.» کادر درمان بیمارستان طالقانی که به‌خواست خودشان اسم‌شان در گزارش نیامده است، می‌گویند هیچ آثار کودکی، خراش یا درد روی بدن درسا نبود و این امکان ندارد که میله مستقیم بدون اصابت به هیچ نقطه دیگری از بدن، چنین آسیبی به ایشان بزند: «به نظر می‌رسید کسی، با ناخن بدن او را خراش داده باشد که خونریزی از همانجا بود.» درسا قدرت حرف‌زدن نداشت و کمی پس از آنکه

در بیمارستان بود، شروع به گریه کرد. مدیر مرکز اصرار داشت که بی‌قراری درسا به این دلیل است که می‌خواهد از بیمارستان برود و خسته شده است: «مدیر مرکز در اورژانس سروصدای زیادی به‌فراہ انداخت و می‌خواست چه را با خودش ببرد و همه متوجه شدند که چه اتفاقی افتاده، اما مسئولان بیمارستان اجازه ندادند درسا از بیمارستان برود.»

نهم مهرماه رئیس اداره بهزیستی شهرستان کلاردشت و مدیرعامل موسسه، به کمیسیون نظارت اداره کل بهزیستی مازندران احضار شدند اما مدیرعامل موسسه به‌علت در بازداشت بودن، در جلسه حضور نداشت. اداره کل بهزیستی استان مازندران می‌گوید درسا پس از ترک تحصیل از بیمارستان، به خانه کوچک حمایتی معلولان ذهنی خفیف ماندگار مهر پویا عباس‌آباد منتقل شده است. غیر از درسا، سه کودک معلول بی‌سرپرست دیگر هم در این مرکز بودند که آنها هم منتقل شدند. مرکز توانبخشی مهر کلار، یک مرکز خیریه بود که با پول خیرین راه‌اندازی شده بود و یک منبع آگاه به «هم‌میهن» می‌گوید پس از این اتفاق، مردمی که کمک کردند این مرکز باز شود، به فرمانداری رفتند و برای پس گرفتن پول هایشان اعتراض کردند: «اما این اعتراض را خاموش کردند و مشخص نشد چه اتفاقی افتاد. برادر فرماندار کلاردشت هم یکی از کسانی بود که برای راه‌اندازی این مرکز سرمایه‌گذاری کرده بود.» او می‌گوید پیش از این، افراد دلسوز محلی بارها به بهزیستی درباره شرایط نامناسب نگهداری کودکان معلول در این مرکز هشدار داده بودن، اما د توجهی به حرف آنها نشده بود. حالا اداره کل بهزیستی استان مازندران در توضیحی که برای «هم‌میهن» ارسال کرده، نوشته است: «براساس بررسی‌های میدانی، همچنین بازبینی فیلم‌های دوربین‌های مدار بسته این مرکز که توسط کارشناسان بهزیستی شهرستان کلاردشت و نیز در ادامه توسط بازپرس دادگستری شهرستان انجام پذیرفت، مواردی از رفتارهای نامناسب و ضرب‌و شتم عمدی نسبت به کودکی به‌نام درسا که دارای معلولیت جسمی و ذهنی خفیف بود، توسط عوامل مرکز مشاهده و تأیید شد.» آنها اعلام کردند کمتر از ۲۴ ساعت جلسه فوری کمیسیون نظارت استانی بر مراکز در ستاد بهزیستی استان مازندران تشکیل و باتوجه به آیین‌نامه ماده ۲۶، مرکز تعطیل و پروانه موسسه نیز باطل و منحل شد. اداره کل بهزیستی مازندران شکایت کیفری و اعلام کرده، در حال حاضر مدیر موسسه با قید وثیقه تا زمان رسیدگی قضایی آزاد است: «برونده در مرحله تحقیقات مقدماتی در شعبه بازپرسی دادسرا شهرستان کلاردشت است.»

اما درسا، تنها مورد تعرض و تجاوز و ضرب‌وشتم در مراکز زیر نظر بهزیستی نیست. بهزیستی اعلام کرده که در حال حاضر نزدیک به ۵۹ هزار نفر در هزار و ۱۹۰ مرکز و خانه مقیم هستند. فعالان حقوق معلولان، سال‌هاست که درباره وضعیت نابesامان این مراکز هشدار می‌دهند و می‌گویند که گوش شنوایی وجود ندارد. آنها معتقدند نظارت‌های بهزیستی روی این مراکز، بیش از هر چیز از سر تکلیف است و نظارت‌های دقیق و اثر بخشی نیست. آنها پیشنهاد می‌کنند که نظارت روی مراکز به سازمان بازرسی کشور واگذار شود که ذی‌نفع نیست. همچنین می‌خواهند خانواده‌ها دسترسی آنلاین به دوربین‌های مدار بسته مراکز داشته باشند یا انجمنی منتخب از خانواده‌ها این دسترسی را داشته باشد. آنها می‌گویند پروتکل‌های بهزیستی برای جذب افراد، دقیق نوشته‌شده اما در عمل، نظارت دقیقی روی اجرای آنها وجود ندارد. متخصصان روانشناسی کودک بارها هشدار دادند که چنین حوادثی می‌تواند به بروز اختلال‌های

روانی متعددی در آنها منجر شود. آنها هشدار می‌دهند که آسیب‌های جنسی می‌تواند در بزرگسالی به‌شکلی برعکس عمل کند و تبدیل به رفتارهای پر خطر شود.

▼ کودکان معلول بی‌پناه

سال گذشته یک مرکز توانبخشی و نگهداری از معلولان در کرج لغو مجوز شد. مرکزی که یک‌سال پیش از آن، با شکایت یکی از خانواده‌ها به‌دلیل تعرضی که به فرزند ۱۶ ساله‌اش شده بود، روبه‌رو شده بود. خانواده می‌گفتند فرزندشان را سالم به مرکز تحویل دادند، در آن‌همد مت از مرکز بیرون رفته بود و در مرکز مورد تجاوز قرار گرفته بود. اما قاضی دادگاه اعلام کرد، دوربین‌های مدار بسته مرکز، صحنه تجاوز را ضبط نکردند، فرزند آنها هم شاهدهی برای اثبات حرف‌اش ندارد و کسی نیست که شهادت دهد این اتفاق افتاده است. خود فرد هم به‌دلیل معلولیت از نوع اوتیسم حرف‌اش مورد قبول دادگاه نیست. این در حالی بود که پسر خانواده توانسته بود فردی که به او تجاوز کرده را شناسایی کند. در نتیجه این دادگاه، مرکز در آن زمان تیر نه شد و یک‌سال بعد به‌دلیل وجود پرونده‌های دیگری این مرکز لغو مجوز شد. حالا مدیر مرکز از خانواده پسر ۱۶ ساله اوتیستیک به اتهام اطلاع‌رسانی کذب در رسانه‌ها شکایت کرده است. سرپرست این خانواده، مادری است که دو فرزند معلول دارد.

چهار سال پیش هم در مرکز دیگری در ارومیه، اتفاق مشابهی افتاد. کمپین معلولان از ترس شکایت از آنها این موضوع را به‌شکل سوالی در رسانه‌ها مطرح کردند که آیا چنین اتفاقی افتاده است یا نه، اما حالا به‌روز مروتی، مدیر کمپین معلولان به «هم‌میهن» می‌گوید که در آن مرکز به سه دختر تعرض شده بود و زمانی که می‌خواستند دختران را به مرکز جدید منتقل کنند، آنها از این موضوع مطلع شدند: «تمام کودکان این مراکز چه در زمان ورود به مرکز و چه در زمان خروج از مرکز، تست‌های پزشکی می‌دهند و پزشک باید سلامت آنها را تأیید کند. در زمان انتقال، آنها متوجه می‌شوند که از حدود ۱۵ نفر، سه دختر مورد تعرض قرار گرفته بودند.» آنها در همان زمان این موضوع را به بهزیستی اطلاع دادند اما با این استدلال که چنین چیزی اثبات نشده، بهزیستی واکنشی نشان نداد و سال گذشته این مرکز به‌دلیل دیگری لغو مجوز شد. در مازندران هم مددیار یک مرکز توانبخشی اقدام به خفه‌کردن یکی از معلولانی کرده که در آن مرکز نگهداری می‌شد و این اتفاق منجر به مرگ او شده است. مروتی درباره مددیار این مرکز می‌گوید: «مددیار مرکز فردی بود که به ۱۸ سالگی رسیده و کار کسرن‌اش غیر قانونی بود. او یکبار اخراج شده بود اما مدتی بعد، او را دوباره به کار گرفته بودند و همین فرد، بالش روی صورت فرد معلول گذاشته و او را خفه کرده بود.» پس از کشته‌شدن فرد معلول، اعلام شد که دوربین‌های مدار بسته مرکز خراب بوده و به‌همین دلیل مستنداتی از چگونگی مرگ وجود ندارد. این در حالی است که براساس گزارش بهزیستی، یک‌ماه قبل که برای بازرسی رفته بودند دوربین‌ها سالم بودند، اما در زمان وقوع این اتفاق اعلام کردند که دوربین‌ها خراب شده‌اند: «در آن زمان یکی از متهمان گفته بود که فیلم‌ها توسط مدیر مرکز خارج شدند.»

مردامده سال گذشته هم یک پسر معلول ذهنی که در یک مرکز خصوصی در محله دهقان ویلی کرج نگهداری می‌شد به‌دلیل خفگی را زنجیر جان‌اش را از دست‌داده است. او را با زنجیر بسته بودند و پلیس در تحقیقات اولیه‌اش اعلام کرد، گروه خوردن زنجیر دور گردن او باعث خفگی شده است.

هفت‌سال پیش هم ۲۰ کودک در شهرستان شیبستر تیریز به‌دلیل مسموم‌بودن غذای مرکز دچار مسمومیت شدند و سه کودک بر اثر همین موضوع فوت کردند. دو سال بعد، دادگاه معلولیت را به‌عنوان درصدی از عوامل مرگ تشخیص داده بود و اعلام کرده بود، مرکز درصدی در این مرگ نقش داشته و اگر معلولیت نداشتند و ایمنی بدن‌شان بالاتر بود، می‌توانستند زنده بمانند و این در حالی است که آنها به‌دلیل خوردن غذای مسموم جان‌شان را از دست دادند. مروتی، نبود یک سیستم قضایی عادلانه را یکی دیگر از عوامل مؤثر در تکرار چنین وقایعی می‌داند. چندی پیش هم مسئولان یک مرکز نگهداری از بیماران اعصاب و روان، یک بیمار اعصاب و روان را بدون اطلاع قبلی به خانه برده و تحویل پدر و مادر پیرش داده بودند اما برادرش که قیم او بود، در جریان این موضوع قرار نگرفته بود. این بیمار، پدر و مادرش را در همان روز به قتل رسانده بود و می‌خواست برادرش را هم بکشد اما فردی او را می‌بیند و او نتوانسته بود برادرش را هم بکشد، در نهایت خودش را در یک بیابان آتش زده و کشته بود: «بهزیستی توان بیشتری ندارد و مسئولان هیچ نگاهی به بحران‌های اجتماعی حوزه بهزیستی ندارند و با اینکه این گزارش‌ها وجود دارد اما رویکرد مسئولان، کتمان کردن اتفاقات و سرکوب رسانه‌ای است.» مروتی می‌گوید، از میان صد‌ها موردی که در مراکز اتفاق می‌افتد یکی از آنها خانواده بهزیستی هستند؛ با مدیران بازنشسته‌اند یا خانواده‌های آنها و این مسئله باعث قرار گرفتن در وضعیت تعارض منافع می‌شود. آنها به‌همین دلیل در نظارت‌هایم می‌خواهند هم‌کاران خودشان از پرسوال ببرند که مبدا خود بهزیستی زیر سوال برود.» در مرکز دیگری به معلولان قرص خواب می‌دادند و آنها دائماً خواب بودند و دچار زخم بستر شدند و بدن‌شان عفونت کرد و در نهایت هم به‌دلیل عفونت فوت شدند: «این موارد همگی مصداق دارند و هر چقدر در مسئله مراکز بیشتر وارد می‌شویم، بیشتر به عمق قاعه‌هی پی می‌بریم. فریادهای ما برای نشان‌دادن این مسئله‌بی‌ثمر شده و حساسیت جامعه و رسانه‌ها به این موضوع جلب نشده است.»

مروتی معتقد است کسانی که در مراکز زیر نظر بهزیستی، معلولان را مورد تعرض و ضرب‌وشتم قرار می‌دهند بار اول‌شان نیست که دست به ارتکاب چنین اعمالی می‌زنند: «این مسئله نبود نظارت درست بهزیستی را بیش از پیش نشان می‌دهد. اگر نظارت درستی وجود داشته باشد، شاهد چنین اتفاقاتی نیستیم. اگر این بچه آسیب فیزیکی نمی‌دید که به بیمارستان منتقل شود، مشخص نیست تا